

بسم الله الرحمن الرحيم

## اشاره

جواز و عدم جواز استخدام فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه در قلمرو بهداشت و درمان فی الجمله بحث شد. بعد از استدلال بر جواز [مطالعه فنون زیست‌فناوری]، ۵ وجه برای اثبات جواز اجمالی ارائه شد. همچنین به ساختار بحث اشاره شد که باید فروع قابل طرح و مسائل مورد ابتلاء یا محتمل الإبتلاء را تنظیم و ساختار بندی کرد. اکنون به ادامه بحث یعنی جواز و عدم جواز کار بست فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه در حوزه بهداشت و درمان البته در حد اجمال می‌پردازیم. چون [جواز یا عدم جواز کار بست فنون زیست‌فناوری] به نحو مطلق قابل اثبات نیست و در موارد مختلفی- از حدود ۱۰ محوری که جلسه گذشته ذیل این فصل گفتیم قابل بحث است- بسا نتوان قائل به جواز شد و در مواردی می‌توان قائل به جواز شد.

## دلایل عدم جواز استخدام زیست فناوری در درمان

بعضی از وجوهی که ممکن است اجمالاً برای ادعای عدم جواز «کاربرد فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه در قلمرو بهداشت» مطرح شود ذیلاً عنوان می‌گردد.

### ۱. حرمت تغییر خلقت

در یکی از فصول گذشته اصل کار علمی کردن و پژوهش در زمینه فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه بحث شد که آیا مجاز است یا خیر؟ ما وجهی برای اثبات حرمت مطالعه و پژوهش در زمینه زیست‌فناوری و کشف قوانین و قواعد حاکم بر حیات و درک فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه طرح کردیم؛ آن وجه را با تقریر دیگری می‌خواهیم طرح کنیم که عبارت است از تغییر خلقت جایز نیست. در آن جا گفتیم که می‌توان برای اثبات عدم جواز فهم و کشف سنن و قواعد حیات نظراً و علمیاً-نه عملاً و خارجاً- به این ادعا تمسک کرد؛ منتها چون بدون تغییر خلقت گاهی مطالعه و پژوهش در قواعد خلقت و حیات میسر نیست بنابراین نباید کار علمی و پژوهشی کرد. این ادعا را آنجا این گونه تقریر کردیم و پاسخ دادیم. ولی در این جلسه مطلب مستقیم‌تر است؛ یعنی رأساً به سراغ ادعای حرمت تغییر خلقت می‌رویم.

### ادله حرمت تغییر خلقت

- آیه ۱۱۹ سوره نساء

استخدام فناوری‌ها و فنون زیست‌ورانه و زیست‌شناسانه تغییر در خلق الهی است. به هر حال موجودات زنده و عناصر زنده یا مشتقات عناصر زنده مورد تصرف و تغییر قرار می‌گیرد. خود عبارت التکنولوجیه الحیویه و زیست‌فناوری به این معنا

است. تغییر در خلقت الهی برابر آیه ۱۱۹ سوره نساء<sup>۱</sup> که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت از اوامر شیطانی است و اتباع و پیروی از اوامر شیطان منهی و ممنوع و حرام است. بنابراین کاربست فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه در حوزه حیات و انسان و حیوان منهی و حرام قلمداد خواهد شد. این تقریر این دلیل است.

در جلسات گذشته بعد از این تقریر مطرح شد که چون پژوهش و دانش‌ورزی نیز مستلزم چنین امور و فرآیند و جریانی است پس کار پژوهش و دانش‌ورزی نیز مجاز نیست. شیطان در این آیه<sup>۲</sup> وعده می‌دهد که من انسان‌ها را گمراه می‌کنم، آن‌ها را گرفتار آرزوهای دور و دراز می‌کنم، به آن‌ها امر می‌کنم که گوش حیوانات را ببرند- که این کار زمانی به عنوان علامت‌گذاری برای نذر حیوانات جهت ذبح برای اصنام و بت‌ها سنت بوده است- و آن‌ها را امر می‌کنم که خلقت الهی را تغییر بدهند و ذیل آیه هم تاکید می‌فرماید که هر آن کسی که شیطان را ولیّ خودش قرار دهد دوست خود بلکه آمر و والی خود یعنی تحت امر او در بیاید و این اوامری که شیطان وعده می‌کند را عمل کند، او دچار بد خسارتی شده است، دچار خسارت بسیار آشکاری شده است. آیه تصریح دارد که تغییر در خلقت الهی امر شیطان است و امر شیطان منهی و محرم است بنابراین ما با کاربرد فنون و فناوری‌ها و فرآیندهای زیستی برای تعدیل و تصرف در کائنات حیّه از جمله انسان و حیوان در خلقت الهی تغییر ایجاد می‌کنیم و این منهی و محرم است.

## رد اشکال

۱- اولاً مراد از تغییر فی خلق الله در آیه تغییر **تکوینی** نیست؛ به استناد بعضی روایاتی که ذیل این آیه وارد شده تغییر فی خلق الله به معنای تغییر فی دین الله است. در بعضی روایات تغییر در امر الله<sup>۳</sup> آمده است. در نتیجه اینجا منظور از تغییر، تغییر تشریعی است نه تغییر در تکوین. این آیه حسب این روایات می‌فرماید کسانی که تغییر در خلق الهی می‌کنند که همان فطرت است که همان دین است چون دین فطری است و فطرت به خلقت الهی دینی است این کار تقبیح شده و از آن منع شده است.

۲- با قبول فرض بالا اگر در آیه فرض کنیم نهی از تغییر در خلقت شده است به نظر می‌رسد که این نهی ولو لساناً نهی است اما به معنی نفی است. مگر ممکن است خلقت الهی را تغییر داد؟! مگر کسی قادر به چنین کاری است؟ آنچه که در تصرفات و تعدیلات ژنتیکی اتفاق می‌افتد تغییر در خلقت نیست حتی اگر فرض کنیم تغییر در خلقت میسر است. در واقع مسئله این است که کسی بر اساس فرآیندهای تعبیه شده و قوانین جعل شده و لحاظ شده در متن خلقت عمل و فعالیت می‌کند یعنی مطابق قوانین رفتار می‌کند؛ البته اگر از قوانین بر خلاف شریعت استفاده کرد حکمش حرام می‌شود. بنابراین به حکم اولی و فی حد نفسه تصرف در خلقت ممنوع نیست و موارد فراوانی هست که تصرف در خلقت نه تنها مجاز بلکه گاه واجب است.

بنابراین اولاً ممکن است بگوییم آنچه که در عملیات زیست‌فناورانه و مهندسی ژنتیک اتفاق می‌افتد تصرف در خلقت منهی نیست یا لااقل بگوییم همه مواردی که به مثابه تصرف و تعدیل رخ می‌دهد از نوع منهی آن نیست بلکه بعضی از موارد از نوع مجاز یا از قسم مندوب یا حتی از قسم واجب است. پس اگر فرضاً تغییر در خلقت میسر است، تغییر منهی و نوع منهی آن است که به جهت مثلاً فراوری و فرگشتگی خلقت نباشد، در جهت تکامل خلقت نباشد، در جهت اصلاح عیبی که در اثر آفات به وجود نیامده باشد،

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَلَاضِلَّيْنَهُمْ وَلَأَمْنَيْنَهُمْ وَلَأَمْرَتَهُمْ فَلْيَبْتَكُنْ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَأَمْرَتَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ ۖ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا

آیه ۱۱۹ نساء<sup>۲</sup>

التغيير في أمر الله بأمر الشيطان<sup>۳</sup>

در جهت رفع نقصی که بر اثر عوامل خاصی پدید نیامده باشد لهذا علی فرض لو سَلَمْنَا که بعضی از مواردِ اعمال و استخدام و کاربرد فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه مصداق تغییر در خلق الله است و ایجاد تغییر در تکوین است، مواردی از آن موجه و مجاز است بلکه گاه واجب. بله! مواردی از آن هم احیاناً ممنوع و محرم است؛ مثلاً فرض کنید مؤنث را تبدیل به مذکر و مذکر را تبدیل به مؤنث کرده باشیم که این‌گونه موارد می‌تواند تغییر خلقت منهی قلمداد شود. اما اگر استخدام فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه و مهندسی ژنتیک برای تکمیل صفات طبیعی، برای اصلاح صفات و برای علاج بیماری و امثال آن باشد این علی القاعده به اقتضاء طبع قضیه و با تمسک به پاره‌ای مُخَصَّص‌ها- که کم نیستند- می‌تواند مجاز قلمداد شود.

#### • آیه فطرت

وجه دومی که می‌توان به آن تمسک کرد آیه فطرت است فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ<sup>۴</sup>

ممکن است این‌گونه تقریر شود که در این آیه گفته شده به دین حنیف روی آور شو. دین حنیفی که با فطرت الهی ساخته است و حق تعالی ساختار وجودی و سرشت هستی انسان را بر آن اساس پدید آورده و دین با این ساختار سازگار است و تبدیلی در خلق الهی نیست. بنابراین تبدیل در خلق الهی و تصرف و تعدیل در آن مُجاز نیست. ذیل این استدلال هم می‌توان دو الی سه نکته را طرح کرد.

#### رد اشکال

اولاً لسان آیه لسان نهی نیست بلکه لسان نفی است {لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ} و نمی‌گوید {لَا تُبَدَّلْ خَلْقَ اللَّهِ}؛ و به تعبیر دیگر اینجا إخبار از عدم امکان تبدیل تکویناً و وقوعاً است نه عدم جواز اقدام به تغییر؛ چنان‌که در پاسخ به تمسک به آیه قبلی نیز به این نکته اشاره کردیم.

وزان این آیه وزان آیه {لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ} است. {لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ} یعنی تکویناً لا إكراه نه تشريعاً. در مواردی شریعت می‌گوید انسان را باید به قبول و عمل به شریعت الزام کرد. پس منظور از فقره {لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ} این نیست که دین اصلاً هیچ‌گونه الزاماتی ندارد بلکه مراد از {لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ} یعنی جایز نیست انسان را به دین اکراه کرد و فایده‌ای ندارد؛ یعنی تازمانی که کسی را منطقاً قانع نکنیم او نمی‌تواند این را بپذیرد؛ این انشاء نیست بلکه إخبار است. در این آیه {لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ} نیز به همین شکل است؛ خلق الهی تبدیل پیدا نمی‌کند؛ در دین الهی که مطابق خلق الهی و فطرت است پایه‌های این دین استوار است، دین منشاء فطری دارد و در نتیجه کافی است غبار از سیمای فطرت زدوده شود و به محض اینکه خوب تبیین شد فطرت از او استقبال می‌کند.

در نتیجه آیه از محل اختلاف و ما نحن بصدد اجنبی است و ربطی به بحث ما ندارد و به اصطلاح مسئله نهی تشریعی نیست.

و آیات دیگری مثل {رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى} خدای متعال خلقت هر چیزی را به او عنایت فرمود و عطا کرد و سپس هدایت کرد یعنی چه؟ یعنی او را مطابق آن فطرت هدایت کرد. {وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا} بعد از تصفیه نفس فجور و تقوای او را به او الهام کرد مطابق همان تصفیه و سرشت نفس. لسان آیه لسان إخبار

از عدم امکان است نه انشاء به عدم اهتمام و نهی از تبدیل. در واقع می‌گویند ممکن نیست؛ نه اینکه انجام ندهید و اگر اقدام هم نکنی ممکن نیست و خلقت الهی تغییر نمی‌کند. بنابراین نمی‌توان به این آیه برای این مسئله تمسک کرد. البته در تفسیر آیه نظرات فراوان و متعددی مطرح شده است از جمله نظیر همان آیه تبدل. ذیل این آیه هم گفته شده که منظور از {لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ} لا تبدیل لدین الله است. این قول نیز قائل دارد؛ یعنی {أَيُّ لَا تَبْدِلُوا خَلْقَ اللَّهِ أَيُّ دِينَهُ الَّذِي أَمَرْتُمْ بِالْتَّمَسْكِ بِهِ} و کما اینکه از ابن عباس هم نقل شده که مراد در این آیه النهی عن الخصاصه است؛ در واقع نهی از تصرف تکوینی در خلقت است. ولی همان طور که توضیح دادیم لسان آیه لسان نهی نیست بلکه لسان نفی است. بله! اشکالی ندارد اگر این آیه و نظایر آن را به مثابه اصل و قاعده تکوینی لحاظ کنیم و به منزله مبانی نظری فقه و تشریع در جایگاه خودش مورد بحث و بررسی و استفاده قرار بدهیم که آن یک امر و مطلب دیگری خواهد شد. این هم تبیینی از آیه فطرت و پاسخ به اینکه به این آیه نمی‌توان تمسک کرد.

### قواعد فقهیه عدم استخدام و استعمال فنون زیست‌فناوری

وجه سومی که بسا بتوان به آن تمسک کرد -البته وجهی که محتوی و مشتمل بر وجوه متعدد است- این است که ممکن است به پاره‌ای از قواعد عامه شامله فقهیه تمسک کرد. قواعدی که جواز استخدام تکنولوژی حیوی و زیست‌فناوری را در بعضی از زمینه‌های طب الصحه و بهداشت و درمان محدود می‌کند که می‌توان به آن آیات هم تمسک کرد؛ مثلاً

«قاعدة حرمة الإلقاء إلى التهلكة»

«قاعدة لا ضرر»

«قاعدة لا ضرار»

«قاعدة وجوب دفع الضرر المحتمل المعتقد به»

«قاعدة وجوب دفع الإضرار المحتمل المعتقد به»

«قاعدة الإضرار لا يبطل حق الغير»

«قاعدة حرمة إزالة الحياة عن كل حيٍّ بغير الحق» به اصطلاح قاعده احترام الروح به تعبیر بعضی از أعظم از معاصرین

«قاعدة حرمة إهلاك النسل»

«قاعدة وجوب الحفاظ على سرِّ الناس عن الغير و من أهمها هو حفظ الجينوم و دی.ان.ای»

«قاعدة التجنب عن ایراد النقص أو العيب على الكائنات الحيّة»

«قاعدة وجوب حفظ الفروج»

«قاعدة كلُّ ما استلزم الحرام فهو هام كما إذا استلزم عمليّة الطَّبَّية الخدش على وجوب حفظ الفروج أحياناً»

و... امثال این قواعد.

ممکن است کسی بگوید این قواعد دست ما را می‌بندد ولی پاسخ آن خیلی روشن است.

### رد اشکال:

منع در امثال این گونه موارد محدود به محل خودش است. بنابراین اصل دخالت در زیست‌فناوری و وارد کردن قواعد و قوانین زیست‌فناورانه در حوزه بهداشت و درمان را منع نمی‌کند. بله! یک محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. کدام حکم و کدام مطلق است که مقید نباشد، کدام عام است که تخصیص نخورده باشد و این جهت هیچ ایرادی ندارد و نزاع بر سر این نیست.

بنابراین تمسک به قواعد فقهیه‌ای که حدود استخدام فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه را در قلمرو بهداشت و درمان  
تحدید می‌کند هم منع و نهی تشریعی مطلق نتیجه نمی‌دهد. بله! در مواردی مثل همه حوزه‌ها و بخش‌های فقهی و احکام  
الهییه و حدود الهی محدودیت ایجاد می‌کند.

و صلَّ الله علی محمد و آله الطَّیِّبین الطَّاهَرین